دانش مخاطرات/ دورهٔ ۳، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۹۵/ ص ۶۰- ۴۷

مخاطرهٔ اخلاقی در عملیات بانکی بدون ربا



حمید ابریشمی*
استاد دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه تهران

ابوالقاسم توحیدی‌نیا (a.tohidinia@ut.ac.ir)
استادیار دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه تهران

احمد حشمتی مولائی (ahmad.heshmati@ymail.com)
کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی، دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۸ – تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۴)

چکیده

در اقتصاد به هر عملی که در آن معیارهای اخلاقی نادیده گرفته شود، مخاطرهٔ اخلاقی (ethical risk) اطلاق می‌شود. به‌دلیل گسترده بودن دامنهٔ این‌گونه اعمال، در این تحقیق فقط دو نوع اصلی و شایع آن یعنی کژمنشی (Moral hazard) و کژگزینی (Adverse selection) در زمینهٔ عملیات بانکی بدون ربا بررسی شده است. با توجه به پیچیده بودن فرایند مخاطرهٔ اخلاقی، وقوع یا عدم وقوع آن را با بروز نتایج آن می‌توان درک کرد. یکی از مهم‌ترین نتایج مخاطرهٔ اخلاقی در عملیات بانکی، وجود مطالبات غیرجاری در بانک‌هاست. به این ترتیب مطالبات غیرجاری بانکی را معیاری از مخاطرات اخلاقی در بانکداری در نظر گرفتیم. به‌طور کلی در عملیات بانکی، کژگزینی به‌عنوان سوء تخصیص منابع بانکی و کژمنشی به‌عنوان عدم سرمایه‌گذاری صحیح گیرندهٔ تسهیلات و در نتیجه عدم بازپرداخت تسهیلات تعریف می‌شود. براساس این تحقیق، بانک‌های خصوصی با بیشترین مخاطرهٔ اخلاقی و بانک‌های تخصصی با کمترین مخاطره در بین بانک‌ها، و تسهیلات قرض‌الحسنه در بین انواع تسهیلات، با کمترین مخاطرهٔ اخلاقی مواجه‌اند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد اسلامی، بانکداری بدون ربا، کژگزینی، کژمنشی، مخاطرهٔ اخلاقی.

* نویسندهٔ مسئول
Email: abrishami_hamid@yahoo.com

مقدمه

مخاطرات اخلاقی در اقتصاد شامل دامنهٔ گسترده‌ای از اعمال و رفتارهایی است که اقتصاد از اخلاق فاصله می‌گیرد و به‌عبارت دیگر، به‌معنای نوعی انحراف اخلاقی در رفتارها و اعمال اقتصادی است.

مخاطرات اخلاقی شامل دامنهٔ گسترده‌ای از اعمال و رفتارهاست که در اینجا تنها به دو گونهٔ اصلی و شایع آن یعنی کژمنشی[1] و کژگزینی[2] اشاره می‌کنیم.

کژمنشی خود به دو نوع کلی پیش‌بینی‌شده (قبل از قرارداد) و پیش‌بینی‌نشده (بعد از قرارداد) تقسیم می‌شود. در فرایند کژمنشی، فردی که مرتکب این عمل شده، در واقع ضرر مضاعفی را بر طرف دیگر قرارداد تحمیل کرده است. به‌عبارت دیگر، در نظریهٔ اقتصاد، کژمنشی وضعیتی است که در آن رفتار یک طرف می‌تواند معامله را به ضرر طرف دیگر تغییر دهد. براساس تئوری قرارداد، کژمنشی ناشی از موقعیتی است که در آن اعمال پنهانی صورت گیرد [۱۷].

اما کژگزینی، انتخاب نامساعد یا پادگزینی[3]، شرح‌دهندهٔ موقعیتی است که در آن دو طرف معامله (به‌عنوان مثال خریدار و فروشنده)، اطلاعات متفاوتی دربارهٔ کیفیت کالا یا خدمت مورد معامله دارند. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت این واژه به فرایندی بازاری اشاره دارد که در آن به‌دلیل اطلاعات نامتقارن (دسترسی به اطلاعات متفاوت)، خریداران و فروشندگان، نتایج نامطلوب رخ می‌دهد. کژگزینی یکی از عواقب محرز اطلاعات نامتقارن است که به شکست بازار منجر می‌شود [۳۴].

با توجه به تعاریف ارائه‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که هر دو سوی مخاطرهٔ اخلاقی (کژمنشی و کژگزینی) از یک عامل اصلی، یعنی اطلاعات نامتقارن نشأت می‌گیرند.

به‌طور کلی، اطلاعات نامتقارن حالت خاصی از اطلاعات ناقص بوده و به‌طور معمول در اکثر مسائل مالی و اقتصادی شایع است. این مسئله به‌خصوص بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، یکی از مهم‌ترین عوامل مشکل‌آفرین در نظام بانکی بوده است. تأکید اصلی در زمینهٔ اقتصاد اطلاعات به مسئلهٔ اطلاعات نامتقارن مربوط می‌شود، یعنی موقعیتی که در آن یک عامل اقتصادی در مورد مبادلهٔ خود اطلاعات خاصی دارد که طرف دیگر مبادله آن اطلاعات را ندارد. در هنجارهای اسلامی، نداشتن اطلاع کافی دربارهٔ کالای مورد مبادله یا حتی قیمت واقعی کالا منع شده است. هشام حکم می‌گوید: من نوعی لباس را در سایه می‌فروختم؛ زیرا در سایه، جلوهٔ

1. Moral Hazard
2. Adverse Selection
3. Adverse selection, anti-selection or negative selection

بیشتری داشت. امام کاظم (ع) از کنار من گذر کردند و فرمودند: ای هشام، بیع در سایه (در خصوص این لباس) غش است و غش حلال نیست [۱۲].

بر مسئلهٔ شفافیت اطلاعاتی در مورد معاملات در کتب فقهی اسلامی بارها تأکید شده است[۷]، به‌طوری که حتی بی‌اطلاعی از قیمت بازار تحت عنوان تلقی رکبان منع شده است [۶]. در واقع تلقی رکبان حالتی بود که کالاهای تجاری قبل از رسیدن کاروان به بازار و بی‌اطلاعی کاروان از قیمت بازار، توسط کسانی که از شهر به‌طرف کاروان حرکت کرده بودند به قیمت نازل‌تری خریده می‌شد.

امروزه این مسئله در بانکداری نیز ممکن است مصداق داشته باشد؛ برای مثال در تخصیص تسهیلات مشارکتی، عامل کار در فروش نیروی کار خود به کارفرما یا تأمین‌کنندهٔ سرمایه، در مورد نحوه و میزان تلاش و بهره‌وری خود از اطلاعات بیشتری برخوردار است تا کارفرما. از این جهت رفتار عاملان اقتصادی در شرایط متقارن نبودن اطلاعات به‌طور قطع با تعامل‌های راهبردی همراه است. نکته‌ای که در اینجا باید بر آن تأکید شود این است که به‌طور معمول، طرف مبادله با اطلاعات بیشتر می‌خواهد از طرفِ کمتر مطلع، نوعی ویژه‌خواری کند. این رفتار فرصت‌طلبانه، به از بین رفتن ویژگی‌های خوب بازار رقابت کامل و بروز عجز و نقص بازار رقابت منجر می‌شود. در کل می‌توان گفت اطلاعات نامتقارن موجب بروز دو نوع رفتار فرصت‌طلبانه، انتخاب بد (کژگزینی) و رفتار نامناسب (کژمنشی) می‌شود (دربارهٔ این موارد و شیوه‌های رفع این مشکلات در بانکداری و به‌خصوص بانکداری اسلامی بیشتر می‌توان بحث کرد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت).

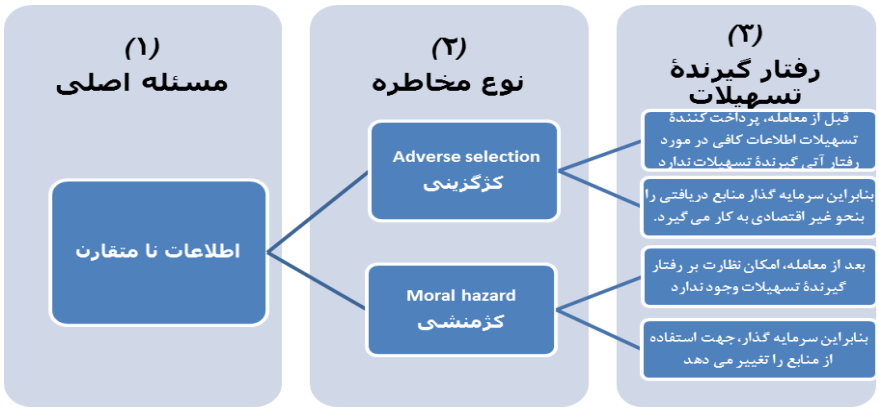
مبانی نظری و پیشینهٔ تحقیق

بانکداری اسلامی نه‌تنها در ایران، بلکه در جهان با سرعت زیادی رشد یافته است، به‌طوری که سرمایهٔ بانک‌های اسلامی تا سال ۲۰۰۶ به بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار افزایش یافته است [۲۱]. این در حالی است که روند افزایشی آن در سال‌های بعدی حدود ۱۵ درصد برآورد شده است. براساس تحقیقات برخی متفکران [۲۲]. این رشد به‌خصوص با گسترش بانکداری خصوصی با مخاطرات اخلاقی و مشکلاتی نیز مواجه بوده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. به‌طور کلی می‌توان مشکلات و مخاطرات عمومی در تحقق بانکداری اسلامی را در دو دسته طبقه‌بندی کرد [۲۲]. به‌عبارت دیگر، نبود نظارت علمی سبب می‌شود که از یک‌سو، کژگزینی با سوء تخصیص منابع بانکی و از سوی دیگر، کژمنشی با ایجاد فرصت برای مشتریان در ارائهٔ گزارش غیرصحیح نسبت به عملکرد واقعی، فضای مخاطرهٔ اخلاقی را تشدید کند، تأثیرات هر

یک از این دو عامل بر رفتار گیرندهٔ تسهیلات مالی و اعطاکنندهٔ این تسهیلات (سپرده‌گذار یا نمایندهٔ او) را می‌توان با توجه به شکل ۱ بررسی کرد.

براساس این شکل پویش مخاطرهٔ اخلاقی در تخصیص تسهیلات بانکی شامل کژگزینی و کژمنشی است که به‌طور متقابل در هم تنیده شده و از نظر آماری تفکیک‌پذیر نیست، زیرا کژمنشی می‌تواند مقدمه‌ای برای وقوع کژگزینی باشد و به‌طور متقابل کژگزینی در نهایت به کژمنشی منجر می‌شود.

بنابراین به‌طور معمول نتیجهٔ این تقابل بین بانک و مشتری، ارتباط پایدار مالی بین سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار را مخدوش می‌کند و به‌صورت حباب بدهی‌های معوق ظاهر می‌شود و در نهایت سایر فعالیت‌های مالی و اقتصادی را تحت‌شعاع قرار می‌دهد.



شکل ۱. مدل جریان مخاطرات اخلاقی در عملیات بانکی و مالی

تدوین شاخص آماری مخاطرات اخلاقی

مخاطرهٔ اخلاقی تسهیلات بانکی در بانکداری اسلامی با توجه به وجود انواع تسهیلات مبتنی بر عقود اسلامی متفاوت است. برای مثال مخاطرات اخلاقی در مضاربه با مخاطرات اخلاقی در جعاله یا فروش اقساطی یکسان نیست، ولی به‌طور کلی می‌توان گفت مخاطرات اخلاقی تسهیلات مبتنی بر عقد a، به انحراف نتایج ممکن ناشی از وقوع آن مربوط می‌شود.

با توجه به اینکه در کشورهای اسلامی عقود اسلامی بیشتر بر اساس مرابحه و تعیین نرخ سود قطعی صورت می‌گیرد، می‌توان براساس تحقیق یکی از متفکران بانکداری اسلامی [۲۸]، مخاطرهٔ اخلاقی را بررسی کرد. در این تحقیق با توجه به آمارهای قابل دریافت از سیستم بانکی می‌توان این شاخص را به‌صورت زیر در نظر گرفت.

مخاطرهٔ اخلاقی در بانک، شامل تابع کژگزینی (A) و کژمنشی (M) فرض می‌شود و این در حالی است که کژگزینی خود تابعی از کژمنشی و ظهور آن در عمل، به‌صورت مطالبات غیرجاری بانک (E) پدیدار می‌شود:

$$A = A(M) \approx E$$

و در نهایت می‌توان احتمال مخاطرهٔ اخلاقی در عملیات بانکی $\Omega(a)$ را براساس مطالبات غیرجاری بانک‌ها (E) به‌صورت زیر معادل فرض کرد:

$$\Omega(a) \approx \Omega(E)$$

در این صورت اگر فرض کنیم تسهیلات دریافت‌شده در سال t_0 مبلغ V ریال باشد و عدد شاخص قیمت در سال وقوع عقد تسهیلاتی و سال جاری به‌ترتیب P_0 و P_n باشد، و سود مورد انتظار دریافتی از گیرنده تسهیلات r درصد تعیین شده باشد، ارزش فعلی مطالبات معوق در سال جاری (E_n) به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$E_n = V(1+e)^n$$

و با توجه به اینکه:

$$e = p_n - r_n$$

است بنابراین می‌توان ارزش مالی وقوع مخاطرهٔ اخلاقی بر مبنای تعویق در بازپرداخت دیون بانک را به‌صورت زیر محاسبه کرد:

$$E_n = V\left[1 + \sum_{n=0}^{n}(P_n - r_n)\right]$$

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هرچه گذشت زمانی مطالبات غیرجاری بیشتر باشد، امکان مخاطرهٔ اخلاقی بیشتر خواهد بود.

به‌عبارت با افزایش زمان تأخیر، احتمال وقوع مخاطرهٔ اخلاقی بیشتر خواهد بود. از نظر علمی بانک‌های متعارف غیراسلامی برای جلوگیری از این نوع مخاطرهٔ اخلاقی، جریمهٔ تأخیر مرکبی، معادل یا بیشتر از E_n محاسبه و گیرندهٔ تسهیلات را متعهد به پرداخت آن می‌کنند. در بانکداری بدون ربا، اگرچه مجوز این جریمه از شورای نگهبان گرفته شده، مراجع شرعی تاکنون فتواهای متفاوتی دربارهٔ شرعی بودن این جریمه داشته‌اند. در هر حال شایان ذکر است که بنابر ضوابط بانکی، مطالبات غیرجاری شامل سه مرحلهٔ زیر است:

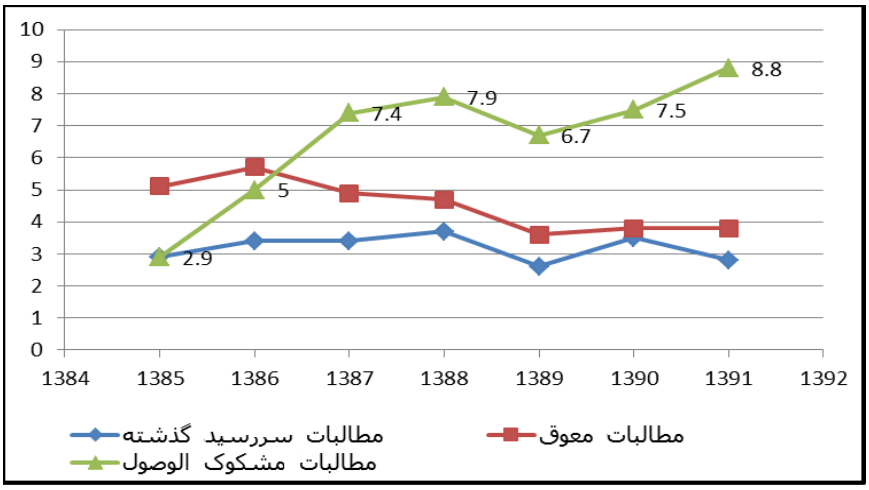
- مطالبات سررسید گذشته؛
- مطالبات معوق؛
- مطالبات مشکوک‌الوصول.

با توجه به اهمیت هر یک از موارد پیش‌گفته و کارکرد متفاوتی که در تخمین مخاطرهٔ اخلاقی دارند به بررسی هر یک می‌پردازیم:

مخاطرهٔ اخلاقی در مطالبات سررسید گذشته

براساس آیین‌نامهٔ وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول مؤسسه‌های اعتباری (ریالی و ارزی) [۲]، مطالبات سررسید گذشته مطالباتی است که از تاریخ سررسید بدهی یا تاریخ قطعی بازپرداخت اقساط آن بیش از دو ماه گذشته و از شش ماه تجاوز نکرده است.

در این مرحله که شرایط اولیهٔ بروز مخاطرهٔ اخلاقی فراهم می‌شود، نقش بانک‌ها در جلوگیری از این مخاطره بسیار حساس است. در این حالت، اگرچه شرایط اولیه برای بروز مخاطره ایجاد شده، با توجه به معنادار نبودن ضریب همبستگی زمانی آن به نظر می‌رسد که عوامل تصادفی و غیرهدفمند، به بروز تأخیر منجر شده است. این وضعیت را می‌توان شروع غیرهدفمند مخاطرهٔ اخلاقی، ولی شروعی وسوسه‌انگیز براساس شکل ۲ در نظر گرفت:



شکل ۲. نسبت مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات بانکی (درصد)
مأخذ: پایگاه آماری بانک مرکزی و بانک‌ها

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در طول دورهٔ بررسی، مطالبات سررسید گذشته به‌طور متوسط حدود ۳ درصد کل تسهیلات بانکی بوده که به‌مراتب کمتر از مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول است. با توجه به روند زمانی این نوع مخاطره که با عنوان مطالبات سررسید گذشته مطرح شد، می‌توان روند زمانی این متغیر را با شیبی نزدیک به صفر در نظر گرفت.

با توجه به نوسان بسیار ضعیف این متغیر در روند زمانی، می‌توان نتیجه گرفت که این نوع مخاطرهٔ اخلاقی بیشتر تصادفی و غیرهدفمند است که در صورت پیگیری نکردن، همان‌طور که در مراحل بعد خواهیم گفت ممکن است مشکلات وسیع‌تری را برای بانک به‌وجود آورد.

مخاطرات اخلاقی در مطالبات معوق

براساس تعریف آیین‌نامهٔ وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول مؤسسه‌های اعتباری (ریالی و ارزی)، مطالبات معوق مطالباتی است که بیش از شش و کمتر از هجده ماه از تاریخ سررسید یا تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آن سپری شده است.

به‌طور کلی، ممنوعیت معاملات مبتنی بر نرخ بازدهی ثابت و از پیش تعیین‌شده و جایگزینی عقود در عملیات تخصیص منابع، مهم‌ترین خصوصیات بانکداری غیرربوی است. در بانکداری غیرربوی، نرخ واقعی بازدهی به‌طور گذشته‌نگر و برمبنای سود تحقق‌یافتهٔ فعالیت‌های بخش واقعی تعیین می‌شود، این نوع فعالیت ذاتاً با ریسک همراه است. تصمیم نسنجیده برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری ممکن است موجب مطالبات معوق شود و زیان اقتصادی برای بانک و در نتیجه برای اقتصاد ملی به‌همراه داشته باشد و سلامت نظام بانکی را به خطر اندازد. موضوع نظارت بر تخصیص منابع در بانک‌های مرسوم نیز وجود دارد، اما در بانکداری غیرربوی اهمیت آن بیشتر است، زیرا در شیوهٔ تأمین مالی مشارکتی، تشخیص کوتاهی و عمل نکردن به تعهد از سوی عامل و کارفرما در سررسید قرارداد مشخص می‌شود. بنابراین ریسک سرمایه‌گذاری، بیشترین ریسک عملیاتی است که بر بانکداری غیرربوی اثر می‌گذارد. در واقع می‌توان گفت ارزیابی و مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری در بانکداری غیرربوی اجتناب‌ناپذیر است. این مسئله ناشی از نبود کنترل و نظارت فراگیر توسط بانک، پیچیده بودن شیوه‌های تأمین مالی در عقود مشارکتی و در نهایت نبود تقارن اطلاعاتی بیشتر در روش‌های مشارکتی است.

درصورتی ملاحظهٔ روند این نوع مطالبات -که آن را مخاطرهٔ اخلاقی نوع دوم تلقی می‌کنیم- در دورهٔ مورد بررسی با درصد متوسط بیشتری نسبت به مطالبات سررسید گذشته مواجه خواهیم شد، به‌طوری که درصد متوسط مطالبات معوق ۴/۴ درصد کل تسهیلات بانکی را براساس شکل ۲ تشکیل داده است.

در این شکل اگرچه روند زمانی این متغیر، به‌نسبت نزولی است، نوسان زمانی آن در مقایسه با مطالبات سررسید گذشته از سطح بالاتری برخوردار است.

با توجه به این روند می‌توان گفت این مسئله نشان‌دهندهٔ نوعی مخاطرهٔ اخلاقی است که در اثر عدم نظارت کافی در حال نهادینه شدن است.

مخاطرهٔ اخلاقی در مطالبات مشکوک‌الوصول

با توجه به مصوبهٔ هیأت وزیران، مطالبات مشکوک‌الوصول مطالباتی است که بیش از هجده ماه از تاریخ سررسید یا از تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آن سپری شده است؛ بنابراین در این دسته از مطالبات، مخاطرهٔ اخلاقی دارای عمق بیشتری است.

با نگاهی کلی براساس شکل ۲، می‌توان گفت رشد صعودی و مستمر این نوع مطالبات در سالیان اخیر، در مقایسه با سایر تسهیلات غیرجاری، مخاطرهٔ اخلاقی عمیق‌تری را پی‌ریزی کرده و ضرباهنگ آن نسبت به دیگر مخاطرات پررنگ‌تر بوده است. جهش قیمتی ناشی از اجرای مرحلهٔ اول هدفمندی یارانه‌ها بدون پرداخت یارانهٔ بخش تولید، رشد فزایندهٔ نرخ تورم، تغییرات سیاستی یکباره در زمینهٔ روش تعیین نرخ ارز و تحمیل زیان‌های ناشی از سیاستگذاری‌های اشتباه در این زمینه به بنگاه‌های اقتصادی، به‌عبارت دیگر نامطلوب شدن محیط کسب‌وکار و در نتیجه، افزایش چشمگیر هزینهٔ تمام‌شده تولید در فعالیت‌های اقتصادی و کاهش چشمگیر حاشیهٔ سود بنگاه‌های اقتصادی، در بسیاری از موارد بر تشدید این نوع مخاطرهٔ اخلاقی مؤثر بوده است. از این‌رو تا حدودی به نظر می‌رسد چنین تسهیلات‌گیرندگانی، توان بازپرداخت تسهیلات خود را نداشته باشند. ولی نکتهٔ مهم‌تر، همان‌گونه که پیشتر بحث شد این است که کم بودن نرخ سود تسهیلات نسبت به نرخ تورم، انگیزهٔ افراد را برای بازپرداخت به موقع تسهیلات کاهش می‌دهد و مخاطرهٔ اخلاقی را تشدید می‌کند. با این نگرش، دامن زدن تسهیلات‌گیرندگان بزرگ و برخوردار از توان مالی و نفوذ اداری به افزایش مطالبات غیرجاری و مشکوک‌الوصول بانک‌ها، موجب می‌شود که این نوع مخاطرهٔ اخلاقی مهم‌ترین چالش بانکی تلقی شود.

همان‌گونه که در شکل ۲ ملاحظه می‌شود، روند زمانی مطالبات مشکوک‌الوصول با شیب صعودی و براساس درصد متوسطی معادل ۸ درصد کل تسهیلات بانکی، بیشترین سطح تسهیلات غیرجاری را به خود اختصاص داده است.

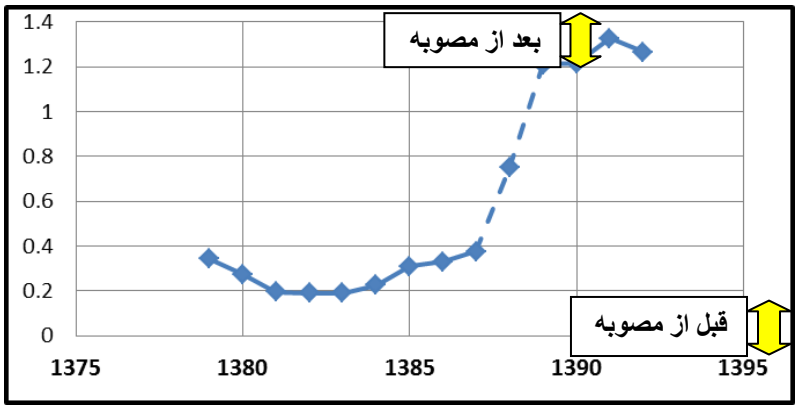
در واقع می‌توان گفت با توجه به ضریب بزرگ نو سان زمانی، روند صعودی این دسته از بدهی‌ها می‌تواند عملیات بانکی را با توقف یا رکود مواجه کند و بنابراین نظارت بر این مرحله از مخاطرات از اهمیت بسزایی برخوردار است.

بررسی مخاطرهٔ اخلاقی در بانکداری بدون ربا در ایران

به‌طور کلی امکان بررسی تفاوت مخاطرهٔ اخلاقی در تسهیلات بانکی مبتنی بر عقود مختلف اسلامی به‌جز قرض‌الحسنه به چند دلیل امکان‌پذیر نیست.

اول اینکه در بانک‌ها تسهیلات مبتنی بر عقود مشارکتی پس از یک دورهٔ کوتاه زمانی به تسهیلات مبادله‌ای تبدیل می‌شود و جداسازی این تسهیلات از تسهیلات مبادله‌ای با توجه به سررسیدهای متفاوت ممکن نیست.

دوم اینکه بانک‌ها به‌سادگی بسته به حداکثرسازی منافع خود، تسهیلات مبادله‌ای و مشارکتی را جابه‌جا می‌کنند. برای مثال پس از تصویب نرخ سود بیشتر برای تسهیلات مشارکتی نسبت به تسهیلات مبادله‌ای توسط شورای پول و اعتبار، بانک‌ها بلافاصله تسهیلاتی را که پیشتر به‌صورت مبادله‌ای اعطا می‌کردند، با توجه به تصویب سود بیشتر برای تسهیلات مشارکتی، براساس شکل ۳، به‌سهولت، بیشتر تسهیلات را براساس عقود مشارکتی در اختیار مشتریان قرار دادند.



شکل ۳. نسبت تسهیلات مشارکتی به مبادله‌ای
مأخذ: پایگاه آماری بانک مرکزی و بانک‌ها

همان‌گونه که در شکل ۳ ملاحظه می‌شود، قبل از اجرای مصوبه، نسبت تسهیلات مشارکتی به مبادله‌ای بین ۲۰ تا حداکثر ۴۰ درصد بود؛ ولی بعد از اجرای مصوبه، این نسبت به بیش از ۱۲۰ درصد افزایش یافت؛ درحالی که رویهٔ بانک‌ها در برخورد با این تسهیلات عملاً با همان سازوکار مبادله‌ای صورت می‌گرفت.

سوم اینکه ابزارهای مشارکتی براساس ضوابط مالی، ماهیتاً از سررسید معینی برخوردار نیست و به این ترتیب تنها تسهیلاتی که طبق رویهٔ معمول بانک‌ها ماهیت مشارکتی واقعی دارد، مشارکت حقوقی است که در طول سال‌های گذشته تنها حدود ۱ تا ۲ درصد کل تسهیلات بانکی را به خود اختصاص داده است و با توجه به اینکه ارزش سهام در بازار تعیین می‌شود، مخاطرهٔ اخلاقی بعد از انعقاد قرارداد به حداقل ممکن کاهش می‌یابد.

بنابراین می‌توان گفت تفاوت مخاطرهٔ اخلاقی بین تسهیلات مبادله‌ای و از تسهیلاتی که بدواً به‌صورت مشارکتی و براساس نرخ سود معینی تنظیم و پس از یک دورهٔ زمانی به تسهیلات مبادله‌ای تبدیل می‌شود، براساس دلایل فوق تأییدشدنی نیست، ولی درصورتی که تسهیلات، تمام ضوابط عقد مشارکت را داشته باشد، مثل مشارکت حقوقی، مخاطرهٔ اخلاقی در مشارکت‌های حقوقی نسبت به تسهیلات مبادله‌ای کاهش معناداری خواهد داشت؛ ولی همان‌طور که گفتیم تسهیلات مشارکت حقوقی بسیار ناچیز و محدود است.

نکتهٔ دیگری که در فرضیه‌های تحقیق مطرح بود، تفاوت مخاطرهٔ اخلاقی در تسهیلات قرض‌الحسنه (تسهیلات غیرانتفاعی) با سایر تسهیلات است که با توجه به ماهیت این نوع تسهیلات می‌توان گفت مخاطرهٔ اخلاقی نیز در این تسهیلات (قرض‌الحسنه) با مخاطرهٔ اخلاقی در سایر تسهیلات به دلایل زیر متفاوت است.

به‌طور کلی براساس جدول ۱، حجم و میزان تسهیلات مبتنی بر قرض‌الحسنه بسیار کمتر از سایر تسهیلات است. در واقع سهم قرض‌الحسنه نسبت به ماندهٔ کل تسهیلات بسیار محدود است.

جدول ۱. میزان تسهیلات اعطایی بانک‌ها برحسب عقود مختلف اسلامی

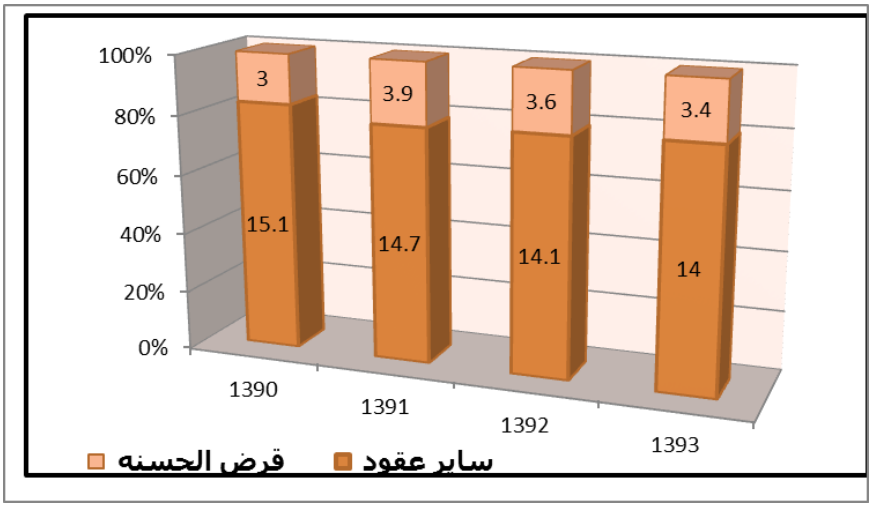
سال	ماندهٔ کل تسهیلات	قرض‌الحسنه	مضاربه	فروش اقساطی	مشارکت مدنی
۱۳۷۸	۱۳۴۰۴۸	۶۱۰۰	۸۳۹۱	۳۷۹۰۴	۱۳۷۵۰
۱۳۷۹	۱۷۶۹۰۷٫۵	۷۵۰۷٫۵	۱۰۸۸۵٫۸	۵۰۹۱۳٫۲	۱۷۵۰۲٫۵
۱۳۸۰	۲۳۷۴۴۹٫۹	۱۰۶۴۳٫۸	۱۳۰۹۵٫۹	۷۴۶۳۳٫۶	۲۰۳۹۴٫۴
۱۳۸۱	۳۲۰۷۹۶٫۲	۲۳۰۰۱٫۶	۱۸۱۶۷٫۲	۱۰۵۹۵۷٫۷	۲۰۶۳۰٫۷
۱۳۸۲	۴۴۲۳۹۷٫۶	۲۵۷۹۴٫۹	۲۷۴۵۰٫۹	۱۵۶۸۷۷٫۷	۲۹۸۲۸٫۴
۱۳۸۳	۶۰۸۴۰۷٫۵	۲۸۸۰۲٫۷	۳۷۸۹۰٫۸	۲۲۴۳۶۰٫۹	۴۲۴۹۶٫۴
۱۳۸۴	۸۳۲۸۳۱٫۷	۳۶۵۸۰٫۹	۵۷۲۹۹٫۳	۲۷۹۴۵۳٫۹	۶۲۷۸۹٫۶
۱۳۸۵	۱۱۷۹۷۲۲٫۵	۴۰۷۸۹	۹۰۶۲۶٫۹	۵۶۸۰۷۰	۱۷۶۴۳۲٫۴
۱۳۸۶	۱۶۱۵۷۹۱٫۲	۵۱۰۱۲٫۶	۱۴۴۸۰۱٫۵	۷۸۴۴۷۵٫۷	۲۵۸۳۱۵٫۸
۱۳۸۷	۱۸۱۳۲۵۰٫۱	۶۳۶۹۰	۱۲۲۴۵۳٫۱	۸۱۷۶۷۶٫۵	۳۰۶۳۱۱
۱۳۸۸	۲۱۰۳۹۱۶٫۱	۹۲۸۱۳٫۳	۱۰۷۰۹۵٫۲	۷۷۱۷۳۴٫۱	۵۷۷۶۳۵٫۸
۱۳۸۹	۲۹۰۳۴۸۲٫۳	۱۱۹۵۷۵٫۵	۱۲۶۷۲۴٫۲	۹۰۲۲۷۰٫۲	۱۰۹۲۲۶۳
۱۳۹۰	۳۴۵۶۶۳۳٫۳	۱۷۸۴۸۳٫۵	۱۲۶۲۴۰٫۴	۱۰۴۳۰۸۰	۱۲۶۸۴۹۲
۱۳۹۱	۴۰۶۷۵۹۰٫۶	۲۱۶۱۲۹٫۷	۱۲۵۷۳۲٫۲	۱۱۹۱۲۹۶	۱۵۸۱۴۵۶
۱۳۹۲	۴۹۹۶۷۰۷٫۲	۲۶۰۷۲۵٫۱	۱۴۵۷۹۹	۱۴۴۸۹۸۶	۱۹۹۲۱۴۴

مأخذ: درگاه آماری بانک مرکزی ج ا ایران

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سهم نسبی تسهیلات قرض‌الحسنه نسبت به کل تسهیلات بانکی در سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ به‌ترتیب ۴/۶، ۳/۵ و ۵ درصد بوده است.

علاوه‌بر سهم نسبی در کل تسهیلات، حجم متوسط مبالغ نیز نسبت به سایر تسهیلات در حد بسیار کمی قرار داشته، ولی نکتهٔ مهم، تفاوت معنادار مخاطرهٔ اخلاقی در این بخش از تسهیلات بانکی است. همان‌گونه که در شکل ۴ مشاهده می‌شود سهم نسبی مخاطرهٔ اخلاقی (مطالبات سررسید گذشته) در تسهیلات قرض‌الحسنه در سال‌های گذشته نسبت به سایر تسهیلات بانکی بسیار کمتر بوده است.

با توجه به سهم نسبی مخاطرات اخلاقی در تسهیلات قرض الحسنه و اینکه صندوق‌های قرض الحسنه، خود جزئی از سیستم مالی محسوب می‌شوند، توسعهٔ این نوع تسهیلات بانکی در کل کشور، هم تحت تأثیر توسعهٔ مالی صندوق‌ها و هم تحت تأثیر عواملی است که در اثر تغییر مقررات یا سایر عوامل به‌طور غیرمستقیم می‌توانند بر توسعهٔ مالی مؤثر باشند و باید در نظر گرفته شوند.



شکل۴. سهم نسبی مخاطرهٔ اخلاقی در تسهیلات قرض‌الحسنه و سایر تسهیلات
مأخذ: پایگاه آماری بانک مرکزی و محاسبات نویسنده

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از شاخص‌های مخاطرهٔ اخلاقی در تسهیلات مختلف، همان‌گونه که مشاهده می‌شود مطالبات غیر جاری در تسهیلات قرض‌الحسنه نسبت به میزان این مخاطره در سطح جهانی قابل قبول است. البته به‌نظر می‌رسد توسعهٔ مالی در استان‌های

کشور از منطقه‌ای به منطقهٔ دیگر فرق می‌کند. در برخی استان‌ها تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه در توسعهٔ مالی به‌طور نسبی بیشتر است، زیرا دارای نظام کنترلی و نظارتی بهترند. علاوه‌بر آن، این تسهیلات به‌ویژه تسهیلاتی که از طریق صندوق‌های غیردولتی اعطا می‌شود، نیاز بیشتری به تقویت محیط عملیاتی و آموزشی دارند. براساس یک رشته از شاخص‌ها، توسعهٔ مالی با توجه به رشد عملیات بانکی قرض‌الحسنه در مقایسه با تسهیلات خرد بانکی در برخی از مناطق جهان بهتر است، اما این تسهیلات به‌خصوص تسهیلاتی که از طریق صندوق‌های غیردولتی ارائه می‌شود باید مورد نظارت دقیق‌تری قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

با توجه به این تحقیق، یکی از آثار و پیامدهای مخاطرهٔ اخلاقی در فعالیت‌های پولی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری، پیدایش مطالبات معوق است؛ پدیده‌ای که از دغدغه‌های مهم بانک‌ها و سایر مؤسسه‌های اعتباری است و تأثیرات منفی بر چرخهٔ منابع و مصارف شعب می‌گذارد. به‌طورکلی این مسئله از دو جهت درونی و برونی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری می‌تواند حائز اهمیت باشد. از جهت درونی، هزینه‌های عملیاتی، بازده کاری، سودآوری، میزان خدمت به مشتریان، درجه‌بندی شعب، حقوق و مزایای کارکنان و سایر شاخص‌های کیفی شعب از قبیل نارسایی اعتبارسنجی، نبود آموزش‌های عملیاتی، نبود سیستم هوشمند پیگیری مطالبات، تغییرات عمده در قوانین و مقررات و نبود سیستم جامع حسابداری، می‌تواند تأثیر مهمی در کنترل و کاهش مخاطرات اخلاقی و به‌ویژه شاخص مورد تأکید این پژوهش یعنی مطالبات معوق داشته باشد.

در نگرش بیرونی، کندی چرخش نقدینگی در اقتصاد کشور، اختصاص نیافتن به‌موقع و بهینهٔ منابع به شبکهٔ تولید و صنعت، رونق نداشتن اشتغال و در نهایت رکود اقتصادی در افزایش مطالبات معوق تأثیر دارد.

منابع

[۱]. ابریشمی، حمید؛ پاداش، حمید؛ احمدی، بهروز (۱۳۹۲)، مبانی و اصول اقتصاد اخلاقی، نشر نور علم، تهران.

[۲]. آیین‌نامهٔ وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول مؤسسات اعتباری (ریالی و ارزی) مصوب هیأت وزیران (۱۳۸۶)

[۳]. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، گزارش‌های اقتصادی و ترازنامهٔ سال‌های مختلف.

[۴]. پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی (۱۳۹۴)، «بانک مرکزی در قبال اخلالگری مؤسسات قاطعانه خواهد ایستاد».

[۵]. تقی نتاج، غلامحسن؛ نجف‌پور کردی، حمیدرضا؛ بحری ثالث، جمال (۱۳۹۱). «هنجارهای یک نظام مالی اخلاقی و شرایط نیل به نظام مالی ایده‌آل در حوزهٔ بانکداری»، بیست‌وسومین همایش بانکداری اسلامی.

[۶]. شیخ حر عاملی (۱۴۰۹ ق)، وسایل‌الشیعه، جلد ۱۲، قم، مؤسسهٔ آل البیت (ع).

[۷]. شیخ حر عاملی، (۱۴۰۹ ق)، وسایل‌الشیعه، جلد ۱۷، قم، مؤسسهٔ آل البیت (ع).

[۸]. طالبی، محمد (۱۳۹۱). «نقش اخلاق در حرفهٔ بانکداری». تازه‌های اقتصاد، تابستان، شمارهٔ ۱۳۶.

[۹]. طالبی، محمد؛ کیائی، حسن (۱۳۹۰). «بانکداری اخلاقی: بررسی نقاط مشترک و تمایز آن با بانکداری اسلامی». تهران: بیست‌وسومین همایش بانکداری اسلامی. مؤسسهٔ عالی بانکداری ایران.

[۱۰]. قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، (۱۳۶۲).

[۱۱]. قانون ملی شدن بانک‌ها (۱۳۵۸).

[۱۲]. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، دار الکتب الإسلامیهٔ، تهران.

[۱۳]. معصومی‌نیا، غلام‌علی(۱۳۸۶)، «اخلاق اقتصادی، مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار»، اقتصاد اسلامی، ش ۲۶.

[۱۴]. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، فلسفهٔ اخلاق، صدرا.

[15]. Akerlof, George A. (1970). "The Market for "Lemons": Quality Uncertainty and the Market Mechanism". The Quarterly Journal of Economics 84

[16]. Amartya Sen, On Ethics and Economics, 1988, (Oxford, UK: Blackwell Publishing).

[17]. A. Mas-Colell, M. Whinston, and J. Green (1995), Microeconomic Theory. Chapter 14, 'The Principal-Agent Problem'

[18]. Arrow, Kenneth (1963). "Uncertainty and the Welfare Economics of Medical Care", American Economic Review.

[19]. Baker, Tom (1996). "On the Genealogy of Moral hazard". Texas Law Review 75.

[20]. Boyd, John H. (April 2000), "A User's Guide to Banking Crises". World Bank.

[21]. Choong, Beng Soon, and Ming-Hua Liu, 2006, "Islamic Banking: Interest-Free or Interest-Based?".

[22]. Cihák, Martin and Heiko Hesse., (2008): "Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis," IMF Working Paper.

[23]. Deirdre Shaw, Edward Shiu, (2003) "Ethics in consumer choice: a multivariate modelling approach", European Journal of Marketing, Vol. 37.
[24]. Dembe, Allard E. and Boden, Leslie I. (2000). "Moral Hazard: A Question of Morality?" New Solutions 2000.
[25]. Hart, Oliver and Moore, John, 1988. "Incomplete Contracts and Renegotiation," Econometrica, 56(4).
[26]. Hart, Oliver and Moore, John, 1988. "Incomplete Contracts and Renegotiation," Econometrica.
[27]. Holmstrom, B. (1979), "Moral hazard and observability". Bell Journal of Economics.
[28]. Ismal,Rifki(2009), Assessing Moral Hazard Problem in Murabahah Financing, Journal of Islamic Economics, Banking and Finance
[29]. Kahneman, Daniel. Thinking Fast, Thinking Slow.
[30]. Krugman, Paul (2009). The Return of Depression Economics and the Crisis of 2008, W.W. Norton Company Limited.
[31]. Linus Wilson (2009),Debt Overhang and Bank Bailouts.
[32]. Linus Wilson and Yan Wu (2010) "Common (Stock) Sense about Risk-Shifting and Bank Bailouts", Financial Markets and Portfolio Management.
[33]. Masudul Alam Choudhury Mohammad Ziaul Hoque, (2004), "Ethics and economic theory", International Journal of Social Economics.
[34]. Munday,Stephen (2000). Markets and Market Failure, Heinemann
[35]. Shaw d, shinue. (2000). The impact of ethics in consumer choice: a mulitivariate modeling case study,ANZMAC visionary marketing for the 21 century. Facing the challenge.
[36]. Shaw, W., Barry, V. 1998. Moral in Business, Wadsworth Publishing Company, 7th ed.
[37]. Walking Through Moral Hazard Minefields, www.imf.org.